

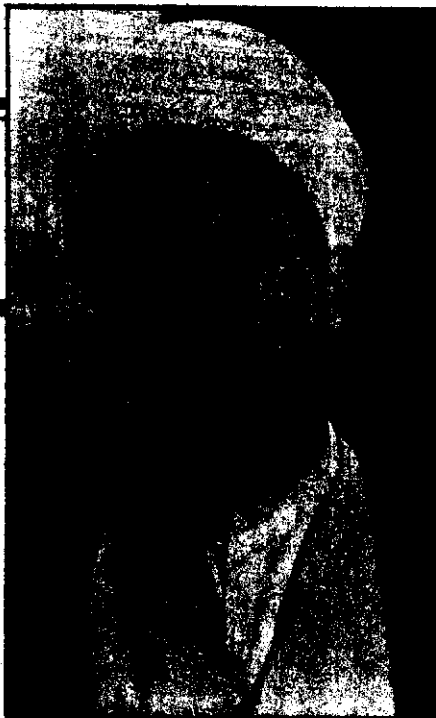
بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

درجهت هرچه بیشتر روشن شدن مسیر کارهای فرهنگی و ایدئولوژی که در این زمان و در این هنگامه از انقلاب شاید بتوان گفت ضروری ترین کارهاست، مجله جهاد تصمیم بر این گرفت تا نشستهایی در این خصوص با صاحب نظران مسائل فکری - اسلام داشته باشد و در این مسیر بود که فرصت را غنیمت شمرده و به عنوان فتح الباب اولین نشست خود را با آیت... صانعی عضو فقهای شورای نگهبان انجام داد. امید است که اینگونه نشستها، راهنمایی باشد برای همه کسانی که در سطوح مختلف به کارهای فرهنگی - ایدئولوژی مشغول هستند، خوانندگان محترم میتوانند سئوالات ایدئولوژیک و فکری خود را برای مجله (سرویس ایدئولوژی)، ارسال دارند تا ما در نشست های بعدی با صاحب نظران مطرح کرده و جواب آنها را در اختیار خوانندگان قرار دهیم

س - سئوال اول ما اینکه بفرمائید، که جامعه ما نیازش به کارهای فرهنگی و ایدئولوژیکی به چه اندازه است و چه کسانی صلاحیت این کار را دارند؟ چرا که امروز می بینیم افراد مختلفی دست به کار فرهنگی می زنند. و بطور کلی ضوابط و مقررات اینگونه کارها چیست؟

ج - بسم... الرحمن الرحيم، نیاز به کار فرهنگی و ایدئولوژیکی را نمی توان برایش حد قرار داد، بخاطر اینکه هرچه انسان بیشتر کار بکند بیشتر نیاز خودش را احساس می کند، به اینکه یک سلسله مسائلی هست که نفهمیده است و اصولا باید برسد به آن حدی که امیرالمومنین صلوات الله و سلامه علیه از نظر مسائل اعتقادی رسیده است می فرماید اگر پرده ها کنار برود و خدا را مردم با چشم سر ببینند، من بیش از این یقین بالا نمی رود، تا آنجا حد دارد، البته طبیعی است که توده مردم نمی توانند به آن حد برسند، و نمی خواهیم بگوییم توده مردم باید به آن حد برسند، ولی زمینه کار فراوان است، تا جایی که انسان برسد به همان حدود و همان مرزها که امیرالمومنین (ع) رسیدند بنابراین نمی شود برایش حد و اندازه ای تعیین کرد، و یا همانطور که برای علم و دانش نمی شود حد و اندازه ای تعیین کرد (که انسان چقدر باید عالم بشود) یا چقدر دانشمند بشود مسائل اعتقادی و ایدئولوژیکی هم به همین ترتیب است، پس حد ندارد، هرچه بیشتر بهتر ولی چه کسانی باید این وظیفه را برعهده بگیرند؟



کارهای فرهنگی را در درجه اول شهدا انجام داده اند و بعد مردمی که برای خدایشان جبهه های ایستاده اند و این جنگ تعمیلی را به پیروزی رسانده اند، آنها با عملشان بهترین خدمت را به فرهنگ و اعتقاد مردم کرده اند.

شخصی که می خواهد کار فرهنگی کند باید چند شرط را دارا باشد و از همه مهمتر این است که دارای یک عقیده اسلامی به اصول و معارف اسلامی باشد، تا آن حد که در راه این عقیده اش حاضر باشد همه چیزش را فدا کند

مصاحبه با حضرت آیت الله صانعی

چه کسانی ص

آن شرط اولی که من معتقدم از این مسائل مطرح است و آن شخص باید دارا باشد آن است که اولاً دارای یک عقیده اسلامی به معارف اسلام و به فرهنگ اسلام باشد، که این عقیده را از دانشمندان اسلامی گرفته باشد و در راه این عقیده اش حاضر باشد همه چیزش را فدا کند، یعنی آنچنان به عقیده اش مومن و معتقد باشد که بخاطرش حاضر باشد همه چیزش را فدا کند، یک عقیده سرسری نباشد، که یک روزی به آن معتقد باشد و روز دیگر برگردد به یک مسئله اعتقادی امروز معتقد است ولی فردا یا یک حرفی که بیاید با یک تبلیغی که بشود از آن برگردد، در درجه اول باید مومن باشد به آنچه می خواهد یاد بدهد، که به هیچ قیمتی از آن برنگردد و اما تا چه حد معلومات باید داشته باشد؟ این سئوال پیش می آید که چه مسائلی را می خواهد مطرح کند؟ یک وقت می خواهد آنقدر مطرح کند، که یک کودک دبستانی بفهمد یا یک آدم عادی ملتفت بشود این از همین حدی که یک مقدار از کتابهای اعتقادی - فرهنگی اسلام را خوانده باشد، از باب نمونه یک مقدار کتابهای مرحوم شهید مطهری رضوان... علیه، هاشمی نژاد رضوان... علیه، و امثال اینها و یا کتابهای دیگر مطالعه کرده باشد برایش کافی است و میتواند مسائل اعتقادی را یاد بدهد ولی یک وقت میخواهد، مسائل اعتقادی را به یک انسانهایی یاد بدهد که آنها مکاتبی را مطالعه کرده اند و اشکالاتی برایشان بوجود آمده، که می خواهد آن مطالب را هم رد کند، یعنی آنچه را که آنها مطالعه کرده اند می خواهد در یک سطح آنها را رد کند، خوب این طبیعی است که با خواندن دو کتاب و چهار کتاب نمی تواند وارد میدان شود، باید اصلاً یکی از برنامه هایش این باشد که خودش مدتی در این راه کار بکند، تا بتواند مسائل را بفهمد و آن احتیاج به یک فرصت زیاد و مطالعه زیاد دارد

س - در زمینه فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی در رابطه با مردم، مخصوصاً نسل جوان، و کسانی که به مکاتب مختلف آشنائی دارند، تا چه حدی کار صورت گرفته و مطبوعات و رسانه های گروهی مخصوصاً مجلاتی مثل

جهاد

نویسندگان عزیز، آنها که صاحب قلم هستند و مسائل را در مجله‌ها و روزنامه‌های می‌نویسند باید سعی کنند که محتوی بیشتری از عبارت باشد.

لاحت کار فرهنگی دارند؟

مجله جهاد چه وظیفه‌ای در این جهت دارند و چه کارهایی باید بکنند؟

مطبوعات سالم، اما چیزی که به نظر بنده می‌آید و در مصاحبه به حزب جمهوری اسلامی هم گفتم گاهی دیده می‌شود تکرار زیاد می‌شود و این باید دفع شود.

دوم اینکه، اساسا بنده این جور می‌بینم حالا این نظر شخصی بنده است امروز ما قلمسازان بیش از محتوایی است که باید داشته باشد نویسندگان عزیز آنها که صاحبان قلم هستند، و مسائل را در مجله‌ها و روزنامه‌ها می‌نویسند به حساب اسلام می‌نویسند، سعی کنند محتوی بیشتری باشد از عبارت مثل کتب علماء قدیم، کتابهای علمای مادر گذشته با بعضی از کتابها که اخیرا نوشته شده یک تفاوت بارز دارد و آن این است که در آنها مطالب فراوان و عبارت کم بود، بعد عبارت فراوان شد مطلب باین آمد، این را حالا فکر میکنم در ارتباط با غرب اینجور شدیم و ریشه در آنها دارد.

س - فکر نمیکنید یک مقدار گستردگی کارها باعث این مسئله شده و اینکه ضرورت انقلاب ایجاد کرده آن مسئولین اصلی مملکت، و دانشمندان و کسانی که صلاحیت بالایی دارند به کار اجرایی پرداختند و نتوانستند کار فرهنگی کنند، باعث این رکود شده باشد؟

ج - حالا عرض می‌کنم، این جهت یک مقدار هست، اساسا یک این چنین فکری در برخورد با غرب هم بود آمد، حتی من معتقدم بعضی از دانشمندی که در رشته خودشان به عظمت باید یاد کرد از ایشان، اما وقتی که کتابهای اینها را مطالعه می‌کنی و خوب نسل جوان هم یک روزی عاشق یک چنین چیزهایی بود (البته این فکر بنده است جوانان شاید نپسندند)، این را خیلی ادم مطالعه میکرد. ولی آنوقت می‌دید دو مطلب یا سه مطلب است، در حالیکه در همان وقت مرحوم مطهری وقتی کتاب می‌نویسد هر سطرش مطلب است و هر جمله اش مطلب است این شاید علتش این باشد که متخصصین رده بالا رفته‌اند در مسائل اجرایی ولی بنده عمده علتش را روابط با غرب می‌دانم، روابط با

ج - البته کار فرهنگی را باید گفت در درجه اول شهدا انجام داده‌اند، و بعد مردمی که برای خدا پشت جبهه‌ها ایستاده‌اند و این جنگ تحمیلی را به این پیروزی رسانیده‌اند، آنها با عملشان بهترین کار و بهترین خدمت را به فرهنگ و اعتقاد مردم کرده‌اند، این مردم، با این پیروزیهایی که عزیزان ما در جبهه‌ها بدست آورده‌اند، مخصوصا «این پیروزی اخیر، در خرمشهر، بسیاری از مسائل اعتقادی را با چشم سر دیده‌اند و باورش‌ان آمده و همینطور حالات توجه به خداوند، نماز روزه، ایثار و فداکاری عملا نیروهای رزمنده این تبلیغ را کرده‌اند و آنها از نظر تبلیغی در حد بالایش قرار دارند، چون با عمل خودشان این تبلیغ را به خاطر خدا انجام داده‌اند و همینطور ملتی که برای خدا ایستادگی کرده و پشت جبهه را نگاه داشته ددائیت است این در درجه اول خیلی روی اعتقادات مردم تاثیر گذاشته، و آن سهم عمده را نیروهای رزمنده در صف مقدم جبهه دارند، مرتبه‌های بعدی را ملتی که پشت جبهه را نگاه داشته‌اند، و اما دیگران چه کردند، دیگران هم مجموعا باید گفت خیلی کار کرده‌اند اما از چیزهایی که به نظر میرسد باید به آن توجه شود، تکرار در این تبلیغات پیش از حدی است که مورد توقع است، یک وقت میبینی یک مطلب هست اما در چندین مجله و چندین روزنامه چاپ می‌شود منتهی با یک عنوان و عبارات مختلفی در حالیکه یک مطلب بیشتر نیست و این را یک نفر باید بنویسد و دیگران نباید بنویسند و راهش هم همین است که اینها که می‌خواهند مطالب اسلامی را بنویسند اینها یک مجمعی داشته باشند نمایندگانی داشته باشند یا به همدیگر اطلاع بدهند که آقامی خواهیم این مطلب را بنویسیم، شما هم در مجله تان بنویسید که اگر فلان مطلب را خواستید، به فلان جا مراجعه کنید و ببابید، نه اینکه تداخل بشود و یک مطلب راده تا نشریه بنویسند این خیلی مطلوب نخواهد بود، شاید بعضی وقتها اسراف حساب شود، کار خوب شده اما یک اشکالش این است، اشکال البته نباید گفت شاید اسانه ادب بشود به اهل قلم و نشریه بنویسند این خیلی مطلوب

بیرون می‌دانم، روابط با ممالک غیراسلامی می‌تواند که این جور بافتی را در ما بوجود آوردند، ولی وقتی ما نگاه می‌کنیم به کتاب قدیمی‌ها آنها آن همه پر بار و پراطلاع و پر معلومات و عرض کردم در عصر معاصر خودمان مرحوم مطهری را شما و حتی همان کتاب داستان راستان را نگاه می‌کنید، که آن کتاب بصورت داستان نوشته شده ولی در عین حال می‌بینی که نه، خیلی مطلب دارد بعد می‌آیی این سری جهان بینی را نگاه می‌کنی و یکی پس از دیگری و عموم کتابهای ایشان این شکلی است و همین طور است مرحوم هاشمی نژاد رضوان الله علیه، مرحوم هاشمی نژاد وقتی مناظره دکتر و پیر را می‌نویسد با اینکه جنبه زمانی دارد اما پر است از مطلب و آن هم مطالبی الهام بخش، و اساسا باید توجه کنیم که باید نوشته‌هایمان جوری باشد که الهام دهنده باشد، بلا تشبیه همان را که امیرالمومنین (ع) دارد در یادگرفتنش از رسول الله (ص) که می‌رسول الله

(ص) به من هزار باب علم را آموخت که از هر بابی من هزار باب علم را آموختم یعنی او هزار باب علم به من داده، حالا البته با نحوه انتقال علوم از رسول الله به امیرالمومنین کاری نداریم چون یک نحوه دیگری است چون معلم رسول الله غیر معلم ما بوده و اینکه رسول الله معلم می‌شود برای دیگری غیرنحوه معلمی است که ما می‌شویم برای دیگری اما در هر صورت به آن بعد عنایت داریم به اینکه می‌فرماید به من هزار باب یاد داد و من از آن هزار باب، هزار باب فهمیدم منظور اینکه مسائل ما باید طوری باشد که الهام بخش باشد این هم یک چیزی که باید تذکر داد، و من نمی‌خواهم بگویم کار نشده، شده عزیزان مطالعه می‌کنند، می‌بینند مجله‌ها و نوشته‌های مختلف را ولی باید کم کم حرکت کنیم در مسیری که محتوای ما بیش از قلم ما باشد، این تذکری است، که باید قدم به قدم پیش برویم و درست کنیم، شاید بنده اگر خود بنویسم بدتر از آنها بنویسم،

س - و این بیشتر از همه به شما برمی‌گردد که نمی‌نویسید و یا کمتر می‌نویسید

ج - شاید اینطور باشد...

س - و خوب این باید جبران بشود و...

ج - بله، انشاء الله.

(ادامه دارد)